

# دیه شکستگی استخوان بینی در فقه و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲؛ تقابلی میان رویکرد تنظیر و تقدیر\*

- محمدجعفر صادق پور<sup>۱</sup>
- سهراب بهادری<sup>۲</sup>

## چکیده

در نگاشته‌های فقهی، مسئله شکستگی بینی به شکلی ابهام‌آلود با فساد آن پیوند خورده است. همچنین در خصوص میزان دیه آن نیز اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی فقها معتقد به ثبوت ارش شده، اما مشهور بر این باورند که در فرض بهبود، یک‌دهم دیه کامل و در فرض عدم بهبود، دیه کامل پرداخت می‌شود. نظریه اخیر در ماده ۵۹۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به شکلی مبهم و مجمل انعکاس یافته است. صدور نظریه‌های مشورتی متعدد و رأی وحدت رویه شماره ۷۶۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور در تاریخ ۱۳۹۶/۸/۲ مؤید این ابهام است. این پژوهش نشان می‌دهد که در هم تئیدن فساد بینی و شکستگی آن از سوی فقها و قانون‌گذار، علت بسیاری از این چالش‌هاست که منطقی و وجهی ندارد و ضرورت دارد که این دو مسئله به صورت مستقل مورد توجه قرار گیرند.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۳۰.

۱. استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه شهرکرد (نویسنده مسئول) (mohammad.sadeghpour@sku.ac.ir).
۲. دکتری فقه و حقوق جزای دانشگاه خوارزمی (bahadori.sohrab@alumni.ut.ac.ir).

در همین راستا، نگارندگان با تکیه بر مبانی فقهی، جهت رفع ابهامات دیه شکستگی بینی به این نظریه گرویده‌اند که چنین آسیبی می‌تواند مصداقی از هاشمه تلقی شود و در نتیجه بدون تفکیک فرض بهبود و عدم بهبود، یک‌دهم دیه کامل به آن تعلق گیرد.

**واژگان کلیدی:** فساد بینی، شکستگی استخوان بینی، هاشمه، دیه، بهبود، عدم بهبود.

### مقدمه

جایگاه بسیار حساس بینی در دستگاه تنفس و اهمیت آن از نظر زیبایی و نیز کارکردهای متعدد و مختلف آن از جمله تنفس، بویایی، کنترل رطوبت، درجه حرارت و پاسداری راه هوایی (حجازی، ۱۳۹۲: ۱۸۵-۱۹۰) نشان می‌دهد که جنایت بر بینی مسئله‌ای با ابعاد مختلف به شمار می‌آید و نیازمند آن است که هر زاویه‌ای به طور جزئی و مستقل مورد ارزیابی قرار گیرد. استخوان‌های نِیزل (بینی)<sup>۱</sup>، دو استخوان کوچک چهارگوش‌اند و از نظر فرم و اندازه در افراد مختلف متغیر می‌باشند. دو استخوان مذکور، پهلوی هم و بین زائده‌های فرنثال مکسیلا قرار گرفته‌اند و از اتصال آن دو استخوان به یکدیگر، پل بینی<sup>۲</sup> ساخته می‌شود. هر استخوان بینی دارای دو سطح داخلی و خارجی و چهار کنار - داخلی، خارجی، فوقانی، تحتانی - می‌باشد. شکستگی استخوان بینی غالباً به صورت عرضی واقع شده و لبه شکسته شده به عقب و اغلب به علت ضربه مستقیم، به یک سمت جابه‌جا می‌شود (الهی، ۱۳۸۵: ۴۰۲-۴۰۴). در فقه امامیه و به تبع آن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای شکستگی بینی دیه در نظر گرفته شده است. اما این تعیین دیه در هر دو حوزه مذکور به شکلی شگرف با مفهومی به نام «فساد بینی» پیوند خورده است. به طور مشخص در ماده ۵۹۳ قانون پیش گفته که برگرفته از فتاوی‌ای فقهی است، می‌توان این پیوستگی و درهم‌تیدگی را دید. مقنن در ماده مذکور مقرر کرده است:

1. Nasal bones.
2. Bridge of the nose.

«شکستن استخوان بینی در صورتی که موجب فساد بینی و از بین رفتن آن شود، دیه کامل دارد و چنانچه بدون عیب و نقص اصلاح شود، موجب یک‌دهم دیه کامل و اگر با عیب و نقص بهبود پیدا کند، موجب ارش است. در کج شدن بینی یا شکستن استخوان بینی که منجر به فساد آن نشود، ارش ثابت است».

چنین دیدگاهی به نوعی متمایز از سایر دیدگاه‌های قانون‌گذار در قبال شکستگی سایر استخوان‌هاست. وجود قید مورد اشاره محل تأمل و پرسش است. یک سؤال آن است که مفهوم فاسد شدن بینی چیست؟ آیا منظور آن است که شکل ظاهری بینی به طور کامل زایل شود یا آنکه فساد بینی ناظر به اختلال در کارکردهای بینی و بقای نامتعارف قسمت برجسته بینی در صورت انسان می‌باشد؟ مسئله دیگر آنکه بررسی رویکرد قانون‌گذار تا قبل از تصویب قانون مورد اشاره و همچنین خود قانون مذکور، از وجود نوعی دوگانگی حکایت دارد. از یک سو، صرف فساد بینی به مثابه موضوع تعیین دیه می‌باشد و تفاوتی وجود ندارد که چه عاملی به عنوان منشأ فساد باشد و از طرف دیگر، توزین دیه برای جنایت فساد بینی آنگاه پذیرفتنی است که فساد، متعاقب شکستگی استخوان بینی رخ دهد. حال سؤال آن است که آیا تعمیم رویکرد قانون‌گذار درباره فساد ناشی از شکستگی استخوان بینی به سایر مصادیق فساد بینی که دارای منشئی غیر از شکستگی استخوان - مانند سوزاندن - می‌باشد، جایز است؟ در این خصوص، پرسش مهم‌تر آن است که دیه شکستگی استخوان بینی بر اساس مبانی فقهی، به چه میزان است؟

پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها و اهمیت پژوهش در این خصوص، از آن جهت ضرورت دارد که عارضه شکستگی استخوان بینی موضوعی است که بخش وسیعی از پرونده‌های محاکم را به خود اختصاص داده است. در این راستا، بر طبق داده‌های آماری ارائه‌شده از سوی سازمان پزشکی قانونی کشور، بخش عمده‌ای از مراجعات به این سازمان مربوط به نزاع می‌باشد. در جدول زیر، به میزان فراوانی نزاع از سال‌های ۱۳۹۲ تا شش ماه اول سال ۱۴۰۰ اشاره شده است.<sup>۱</sup>

۱. بنگرید به تارنمای سازمان پزشکی قانونی کشور به نشانی زیر [آخرین بازدید: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹]:  
<[https://www.lmo.ir/web\\_directory/54011عنزاع.htm](https://www.lmo.ir/web_directory/54011عنزاع.htm)>.

مجموع	مرد	زن	سال
۳۳۴۰۹۷	۲۲۵۴۲۱	۱۰۸۶۷۶	۱۴۰۰ ماه اول
۵۸۵۳۷۴	۳۹۹۹۱۸	۱۸۵۴۵۶	۱۳۹۹
۵۷۴۹۶۱	۳۸۷۸۰۸	۱۸۷۱۵۳	۱۳۹۸
۵۸۰۰۷۰	۳۹۴۳۸۴	۱۸۵۶۸۶	۱۳۹۷
۵۴۴۴۷۰	۳۷۰۷۹۵	۱۷۳۶۷۵	۱۳۹۶
۵۴۷۰۲۱	۳۷۵۶۴۴	۱۷۱۳۷۷	۱۳۹۵
۵۶۴۲۲۳	۳۹۰۳۰۱	۱۷۳۹۲۲	۱۳۹۴
۵۸۹۶۰۲	۴۰۷۹۱۹	۱۸۱۶۸۳	۱۳۹۳
۶۰۷۳۴۹	۴۲۳۰۰۸	۱۸۴۳۴۱	۱۳۹۲

بررسی‌ها نشان می‌دهد که شکستگی استخوان بینی یکی از عارضه‌های شایع ناشی از نزاع می‌باشد. البته ضایعه مذکور می‌تواند معلول علل دیگری از جمله تصادف و حادثه نیز باشد (قره‌داغی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۰). به طور کلی، شکستگی استخوان بینی شایع‌ترین شکستگی بین استخوان‌های صورت و حتی تمام استخوان‌های بدن می‌باشد؛ زیرا بینی عضو استخوانی برجسته‌ای است که آسیب‌پذیرترین عضو در برابر شکستگی تلقی می‌شود (همان: ۲۸؛ حسین‌نیا، ۱۳۸۳: ۴۷). مهم‌تر آنکه ارائه نظریه‌های مشورتی متعدد<sup>۱</sup> که از ابهام‌ها و سؤال‌های متعدد مراجع قضایی حکایت دارد، بیانگر آن است که این مسئله محل ابتلا می‌باشد. از سوی دیگر، صدور رأی وحدت رویه شماره ۷۶۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور در تاریخ ۱۳۹۶/۸/۲، استنباط‌های متفاوت و آرای مختلف از ماده ۵۹۳ را در موضوع واحد نشان می‌دهد. با نظر داشت این مباحث مهم، سوگوارانه باید گفت که گرچه پژوهش‌هایی در قالب مقاله درباره شکستگی استخوان‌های سر و صورت و به شکل بررسی ترومای بینی در مراجعه به سازمان پزشکی قانونی کشور یا ادارات کل پزشکی قانونی دیده می‌شوند، لکن پژوهشی که

۱. ر.ک: نظریه شماره ۱۴۶۵/۹۶/۷ تاریخ ۱۳۹۶/۰۶/۲۹؛ نظریه شماره ۱۸۲/۹۵/۷ تاریخ ۱۳۹۵/۰۸/۰۳؛ نظریه شماره ۱۵۳۰/۹۶/۷ تاریخ ۱۳۹۶/۰۷/۰۴؛ نظریه شماره ۷/۹۸/۴۳۶ تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۰۸؛ نظریه شماره ۷/۹۲/۲۲۶۱ تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۹؛ نظریه شماره ۷/۹۲/۱۸۳۶ تاریخ ۱۳۹۲/۰۹/۲۰؛ نظریه شماره ۷/۹۶/۱۴۶۵ تاریخ ۱۳۹۶/۰۶/۱۴؛ نظریه شماره ۷/۹۵/۱۸۲۰ تاریخ ۱۳۹۵/۰۸/۰۳؛ نظریه شماره ۷/۹۹/۷۶۰ تاریخ ۱۳۹۹/۰۶/۱۲.

این موضوع را از زاویه فقهی و حقوقی ارزیابی کند و رویکرد قانون‌گذار را مورد واکاوی قرار دهد، مشاهده نمی‌شود. از همین رو، در این نوشتار تلاش می‌شود پس از تبیین دقیق دیه شکستگی استخوان بینی در فقه و سپس در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، با رویکردی تحلیلی، دیدگاهی استوار و مستحکم در این زمینه ارائه شود که ضمن دارا بودن پشتوانه‌های محکم شرعی و فقهی، چاره مشکلات علمی و اجرایی موجود در این حوزه باشد.<sup>۱</sup>

## ۱. دیه شکستگی استخوان بینی در فقه امامیه

به طور کلی، دو محور قابل بحث درباره موضع گیری فقیهان امامی نسبت به شکستگی استخوان بینی عبارت‌اند از: شکستگی بدون بهبود و شکستگی همراه با بهبود بینی.

### ۱-۱. شکستگی بدون بهبود

یکی از فروض بسیار برجسته جنایت بر بینی در متون فقهی، وضعیتی است که بینی دچار شکستگی شود، اما این شکستگی بهبود نیابد. درک بهتر موضع گیری فقها، متکی به آن است که در چند محور مختلف به واکاوی آن پرداخته شود که درباره دیه شکستگی بدون بهبود بینی، دو نظر مخالف وجود دارد:

#### ۱-۱-۱. ثبوت دیه کامل

مشهور فقیهان امامیه در مقام بیان دیه شکستگی استخوان بینی، ابتدائاً دیدگاه خود را ناظر بر شکستگی همراه با فساد این عضو طرح کرده و پس از ثبوت دیه کامل برای آن، به بیان دیگر انواع جنایت بر بینی پرداخته‌اند. به عبارت دیگر، از مصادیق و موارد شکستگی بدون بهبود بینی، فقها اغلب به موردی پرداخته‌اند که به نوعی وخیم‌ترین گونه محسوب می‌شود؛ یعنی موردی که بینی بشکند و بهبود نیابد و این امر موجب

۱. چنان که برخی مطلعان از محاکم قضایی بیان کرده‌اند، صدور رأی وحدت رویه نیز در این زمینه نتوانست مشکلات اجرایی مربوط به دیه بینی را برچیند و همچنان برای محاکم قضایی در این زمینه ابهام وجود دارد (ر.ک: پژوهشگاه قوه قضاییه، ۱۳۹۷: ۴۳-۴۴).

فساد آن گردد. شیخ طوسی در این خصوص می نویسد:

«در بینی اگر بشکند و فاسد شود، دیه کامل است. همچنین است اگر بینی از بیخ و بن قطع شود؛ چنان که گفته شد. اما اگر التیام یابد و بدون عیب و کژی بهبود پیدا کند، صد دینار برای آن ثابت است» (طوسی، ۱۴۰۰: ۷۷۶).

پس از شیخ، بسیاری از فقها از دیدگاه وی تبعیت کرده‌اند و بدین ترتیب این نظر در میان فقیهان امامیه شهرت یافت (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۳/۴۱۰؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۴/۲۴۶؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ۵/۵۷۱؛ همو، ۱۴۱۳: ۳/۶۷۲؛ عاملی جزینی، ۱۴۱۰: ۲۷۹؛ قطان حلی، ۱۴۲۴: ۲/۵۸۶؛ ابن طئی فغانی، ۱۴۱۸: ۳۲۴؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۰: ۱۰/۲۰۸؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۱۱/۳۳۸؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸: ۱۶/۴۳۸؛ حسینی عاملی، بی تا: ۱۰/۳۹۱؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۳/۱۹۱).

اصلی‌ترین دلیلی که موافقان دیدگاه مورد بحث بر آن تکیه کرده‌اند، روایات عامی هستند که برای اعضای فرد انسان، دیه کامل تقریر می‌کنند؛ همانند روایت هشام بن سالم که از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

«هر آنچه در انسان دو تا باشد، در مقابل هر دوی آن‌ها، دیه کامل پرداخت می‌شود و در قبال یکی از آن دو، نصف دیه؛ و هر آنچه که در وجود انسان یکی باشد، در قبال آن یک دیه کامل قرار می‌گیرد» (صدوق، ۱۴۱۳: ۴/۱۳۳).

بر اساس این نگره، با توجه به اینکه روایت فوق تنها ناظر به نوع خاصی از آسیب وارد بر بینی - که همان قطع شدن باشد - نیست، بلکه اطلاق و عموم آن، هم قطع بینی و هم افساد آن را در بر می‌گیرد (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۳/۱۹۲؛ موسوی سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۹/۱۷۶)؛ لذا فساد بینی موجب ترتب دیه کامل خواهد بود.

چنان که از تعابیر و نحوه استدلال فقها برمی‌آید، آنان عموماً مسئله شکستگی بینی را بنا بر فرضی طرح کرده‌اند که در پی شکستگی و عدم بهبود آن، فساد آن تحقق یابد. با این حال، پرسشی که در پی مراجعه به این آراء پدید می‌آید این است که آیا میزان دیه تقریر یافته، تنها مربوط به فرضی است که در پی شکستگی، فساد بینی رخ دهد یا در صورت عدم تحقق فساد نیز ثابت است؟ واقعیت این است که عبارات فقها در این زمینه بسیار مبهم است.

۲-۱-۱. ثبوت ارش

هرچند که دیدگاه پیشین، از موافقان قابل توجهی برخوردار می‌باشد، لکن مصون از نظر مخالف نمی‌باشد و در مقابل نظر مشهور، برخی از فقیهان معاصر معتقدند که شکستگی همراه با فساد بینی فاقد دیه مقدر است و در چنین فرضی باید به ثبوت ارش قائل شد. محقق خوبی چنین می‌نویسد:

«هر گاه بینی بشکند و سپس فاسد شود، مشهور میان اصحاب، ثبوت دیه کامل است؛ اما دیدگاه مشهور خالی از اشکال نیست و نظر نزدیک‌تر [به مفاد ادله] در این زمینه رجوع به حکومت است» (موسوی خوبی، ۱۴۲۲: ۴۸۲/۴۲).

آنچه موجب اعتقاد به این دیدگاه شده است، از یک سو، عدم شمول روایات عام همچون روایت هشام بن سالم نسبت به افساد بینی است؛ زیرا وفق نظر این دسته از فقها، این روایات تنها ناظر بر قطع و از بین رفتن بینی هستند. از سوی دیگر، چون برای شکستگی همراه با فساد بینی در شرع دیه معین تقریر نشده است، لذا لزوماً باید به ارش معتقد شد (همان: ۴۸۳/۴۲).

علی‌القاعده این دسته از فقها که در فرض شکستگی همراه فساد بینی قائل به ارش شده‌اند، در فرض تحقق صرف شکستگی بدون فساد نیز دلیل موجهی برای ثبوت دیه نمی‌بینند و لذا منطقیاً باید به ثبوت ارش معتقد باشند. با وجود این، این گروه به صراحت فرض شکستگی بدون بهبود و بدون فساد بینی را مطرح نکرده‌اند.

در عین حال، برخی فقها به بیان حکم شکستگی بدون فساد و بدون بهبود بینی پرداخته و چنین آورده‌اند:

«اگر بینی بشکند، بی‌آنکه بخشی از آن قطع شود یا موجب زوال حس بویایی شود، ارش ثابت خواهد بود» (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۵: ۳۰۶/۳).

برخی دیگر از فقیهان معاصر نیز این فرض و این دیدگاه را به صراحت بیان کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۴۵۶/۳).

۲-۱. شکستگی همراه بهبود

در صورتی که شکستگی بینی بهبود یابد، تحقق این وضعیت می‌تواند در میزان دیه

آن تأثیر بگذارد. با توجه به اینکه در نصوص شرعی و به تبع آن متون فقهی، بهبود بر دو گونه «بدون عیب و نقص (بلا عیب ولا عثم) و به صورت بهبود کامل» و «همراه عیب و نقص و به صورت بهبود ناقص» تقسیم می‌شود، شایسته است که مسئله دیه شکستگی بینی در دو محور شکستگی همراه با بهبود کامل و شکستگی همراه با بهبود ناقص بررسی شود.

### ۱-۲-۱. تحقق بهبود کامل

در صورتی که پس از تحقق جنایت، بینی بدون عیب و نقص بهبود یابد، نسبت به میزان دیه آن، دو نظر مختلف در میان فقها مطرح شده است که عبارت‌اند از:

#### ۱-۱-۲-۱. ثبوت یک‌دهم دیه کامل

بر مبنای نظر مشهور، در صورت بهبود کامل بینی، میزان دیه آن از دیه کامل (هزار دینار) به یک‌دهم دیه کامل (صد دینار) کاهش می‌یابد. این نظر از سوی مشهور فقهای امامیه پذیرفته شده است (طوسی، ۱۴۰۰: ۷۷۶؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۴۱۰/۳؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۴۶/۴؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ۵۷۱/۵؛ همو، ۱۴۱۳: ۶۷۲/۳؛ عاملی جزینی، ۱۴۱۰: ۲۷۹؛ قطن حلی، ۱۴۲۴: ۵۸۶/۲؛ ابن طیّ فقعانی، ۱۴۱۸: ۳۲۴؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۰: ۲۰۸/۱۰؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۳۳۸/۱۱؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸: ۴۳۸/۱۶؛ حسینی عاملی، بی‌تا: ۳۹۱/۱۰؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۱۹۱/۴۳).

#### ۲-۱-۲-۱. ثبوت ارش

فقیهانی که در خصوص شکستگی بدون بهبود بینی به ارش معتقد شده‌اند، جملگی در خصوص فرضی که پس از شکستگی بینی، این عضو بهبود کامل می‌یابد نیز به ارش قائل شده‌اند (موسوی خویی، ۱۴۲۲: ۴۸۳/۴۲؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۵: ۳۰۶/۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۴۵۶/۳). طبیعتاً این دسته از فقها، تسری حکم بهبود ستون فقرات را به بینی صائب ندانسته و از همین رو، چون در چنین مسئله‌ای، دلیلی مبنی بر تعیین دیه مقدر نیافته و مورد را از مصادیق «ما لا مقدّر له فیه الأرش» انگاشته‌اند، به ثبوت ارش پایبند شده‌اند.



۲-۲-۱. تحقق بهبود ناقص

در صورتی که استخوان بینی بشکند و سپس همراه با نقص و عیب التیام یابد، دیه شکستگی بینی در چنین حالتی به چه میزان است؟ اغلب فقیهان در نگاه‌های فقهی خود به این فرض نپرداخته و حکم آن را بیان نکرده‌اند. اگر حقیقتاً دیه شکستگی استخوان بینی به واسطه تنظیر با ستون فقرات تعیین شده و حکم خود را از آنجا گرفته، منطقاً باید دیه بهبود ناقص با عدم بهبود کامل برابر باشد؛ یعنی در هر دو فرض، دیه کامل تعیین شود؛ زیرا در شکستگی ستون فقرات، هم در فرض عدم بهبود کامل و هم در فرض بهبود با عیب و نقص، فقیهان امامیه (ابن سعید حلّی، ۱۴۰۵: ۶۱۹؛ موسوی خویی، ۱۴۲۲: ۴۰۲/۴۲) به تبعیت از نصوص شرعی (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۳۸/۷) دیه کامل را ثابت دانسته‌اند. با وجود این، واقعیت این است که معدودی از فقیهان که به فرض شکستگی همراه با بهبود ناقص بینی پرداخته‌اند، چنین موضعی اختیار نکرده، بلکه معتقدند که در چنین فرضی یک‌دهم دیه کامل ثابت خواهد بود؛ منتها به خاطر نقصی که حاصل شده است، مبلغ مزادی به عنوان ارش با احراز نظر کارشناس پرداخت می‌شود (عاملی جبعی، ۱۴۱۰: ۲۰۸/۱۰). به نظر می‌رسد این انگاره کلی که «دیه شکستگی همراه بهبود ناقص با دیه شکستگی همراه بهبود کامل، علی‌القاعده نباید برابر باشد»، انگاره‌ای منطقی است و بسیار پذیرفتنی می‌نماید که میزان جریمه مالی قابل پرداخت در بهبود ناقص، بیش از میزان آن در فرض بهبود کامل باشد. اما با این حال، نحوه تفاوت نهادن میان این دو فرض در نظریه فوق، با چالش جدی روبه‌روست؛ زیرا اولاً روشن نیست که چرا در این فرض، دو جنایت به رسمیت شناخته شده است: شکستگی و ایجاد نقص؟ در حالی که در اینجا یک جنایت بیشتر تحقق نیافته و آن شکستگی است که به طور ناقص بهبود یافته است. ثانیاً اگر از اشکال اول چشم‌پوشی شود، مشکل اساسی‌تر این است که چرا در این محاسبه، جنایت نخست یعنی شکستگی، شکستگی همراه با بهبود کامل برشمرده شده و از دیه‌ای معادل آن برخوردار گردیده و سپس علاوه بر آن، ارشی جداگانه برای نقص حاصله در نظر گرفته شده است، در حالی که فرض این است که شکستگی تحقق یافته، به طور ناقص بهبود یافته است؟ به هر روی، این تحلیل و تجزیه ذهنی که نسبت به جنایت واحد «شکستگی بهبود ناقص یافته»



صورت گرفته و به تشخص دو جنایت «شکستگی» و «ایجاد نقص» انجامیده و در نتیجه موجب ترتب «یک‌دهم دیه کامل» - معادل دیه شکستگی همراه با بهبود کامل - به علاوه «ارش» شده، نمی‌تواند پذیرفتنی باشد.

## ۲. دیه شکستگی استخوان بینی در قانون مجازات اسلامی

بررسی سیر تقنینی مواد مربوط به جنایت بر بینی، نشان‌دهنده تغییرات قابل تأملی است. در ماده ۹۱ قانون دیات مصوب ۱۳۶۱ نظر قانون‌گذار چنین است:

«فاسد نمودن و شکستن و سوزاندن بینی در صورتی که اصلاح نشود، موجب دیه کامل است و اگر بدون عیب جبران شود، موجب یکصد دینار می‌باشد».

از تأمل در ماده مذکور به خوبی مشخص است که صرف فاسد شدن بینی، شکستن بینی و سوزاندن بینی که غیر قابل اصلاح باشد، هر یک عنوانی مستقل برای ثبوت دیه کامل می‌باشد. با این حال، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، دیه جنایت بر بینی در ماده ۳۸۲ به قرار زیر تقریر یافته بود:

«اگر با شکستن یا سوزاندن یا امثال آن، بینی را فاسد کنند، در صورتی که اصلاح نشود، موجب دیه کامل است و اگر بدون عیب جبران شود، موجب یکصد دینار می‌باشد».

چنان که از این ماده برمی‌آید، آنچه در نظر مقنن سابق دارای اهمیت بوده و در واقع موجب ترتب دیه کامل محسوب می‌شده، فساد بینی بوده است. از این رهگذر، اساساً تفاوتی نمی‌کند که این نتیجه (فساد بینی) با چه رفتار فیزیکی پدید آمده باشد. بر این اساس در مقرر مذکور، شکستن و سوزاندن به عنوان دو مصداق بارز برای رفتار فیزیکی موجب فساد بینی بیان شده و در عین حال، قانون‌گذار خود تصریح کرده که با امثال این دو مورد هم اگر فساد تحقق یافت، در صورت عدم بهبود، دیه کامل ثابت خواهد بود.

اما ظاهراً قانون‌گذار در ماده ۵۹۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، موضعی متفاوت‌تر برگزیده که به نظر نگارندگان، ناشی از رویکرد ترجمه‌محور مقنن در تقنین مواد بوده است. وفق این ماده:

«شکستن استخوان بینی در صورتی که موجب فساد بینی و از بین رفتن آن شود، دیه کامل دارد و چنانچه بدون عیب و نقص اصلاح شود، موجب یک‌دهم دیه کامل و اگر با عیب و نقص بهبود پیدا کند، موجب ارش است. در کج شدن بینی یا شکستن استخوان بینی که منجر به فساد آن نشود، ارش ثابت می‌شود».

گرچه برخی نویسندگان معتقدند که در ماده فوق، شکستن بینی به عنوان رفتار فیزیکی و فساد یا از بین رفتن آن، به مثابه نتیجه رفتار فیزیکی آورده شده (زراعت، ۱۳۹۵: ۴۷۲/۳)، اما حقیقت این است که چنین برداشتی آشکارا و بدون ابهام از ماده فوق قابل استنباط نیست. توضیح اینکه در ماده ۵۹۳ چنین به نظر می‌رسد که شکستگی استخوان به نوعی خود موضوعیت یافته است و نمی‌توان به راحتی آن را صرفاً رفتار فیزیکی به‌شمار آورد. مؤید چنین انگاره‌ای این است که موضوع حکم در این ماده، «شکستگی استخوان بینی» است که دارای انواعی همانند شکستگی موجب فساد و شکستگی بدون فساد می‌شود؛ اما در ماده ۳۸۲ قانون سابق، موضوع حکم، «فساد بینی» بود که به دو گونه «عدم بهبود» و «بهبود کامل» تقسیم می‌شد و می‌توانست به واسطه شکستگی یا سوزاندن رخ دهد یا هر رفتاری همانند آن‌ها.

چنین برداشتی از ماده ۵۹۳ با برخی از نظریه‌های مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه نیز منطبق است؛ زیرا در آن‌ها تصریح شده که در ماده فوق، چهار حالت کلی برای شکستن استخوان بینی تصویر شده که عبارت‌اند از:

- ۱- شکستن موجب فساد و از بین رفتن، بدون بهبود: ثبوت دیه کامل.
- ۲- شکستن موجب فساد، همراه بهبود کامل: ثبوت یک‌دهم دیه کامل.
- ۳- شکستن موجب فساد، همراه بهبود ناقص: ثبوت ارش.
- ۴- شکستن بدون فساد: ثبوت ارش.<sup>۱</sup>

به نظر نگارندگان، مقنن در ماده ۵۹۳ قانون فعلی نسبت به ماده ۳۸۲ قانون سابق، به مراتب بیشتر تحت تأثیر متون فقهی قرار گرفته و ماده ۵۹۳، ترجمه‌ی نه چندان منقّحی

۱. بنگرید به نظریه‌های مشورتی صادره ذیل: الف- نظریه شماره ۷/۹۲/۱۳۸۶ تاریخ ۷/۲۰/۱۳۹۲؛ ب- نظریه شماره ۱۸۲/۹۵/۷ تاریخ ۱۳۹۵/۰۸/۰۳؛ پ- نظریه شماره ۷/۹۶/۱۴۶۵ تاریخ ۷/۱۴/۱۳۹۶؛ ت- نظریه شماره ۱۴۶۵/۹۶/۷ تاریخ ۱۳۹۶/۰۶/۲۹؛ ث- نظریه شماره ۱۵۳۰/۹۶/۷ تاریخ ۱۳۹۶/۰۷/۰۴.

از برخی عبارات فقهاست. از همین زاویه، حداقل در خصوص ماده ۵۹۳، این ابهام وجود دارد که آنچه موجب ترتب دیه کامل می‌شود، «شکستگی موجب فساد بینی» است یا «فساد بینی»؟ این ابهام چنان که خواهد آمد، در نگاشته‌های فقهی نیز وجود دارد.

### ۳. بازاندیشی در مسئله شکستگی و فساد بینی

به نظر می‌رسد اقوال فقها و به ویژه فروضی که برای تقریر دیه بیان کرده‌اند، نیازمند بازنگری جدی است. با روشن شدن رأی صائب فقهی در این زمینه، به تبع موضع بایسته مقنن در این زمینه نیز مشخص خواهد شد. در همین راستا در ضمن چند محور مختلف به ارائه نظرات و تأملات خود در این رابطه می‌پردازیم.

#### ۱-۳. وجه ترتب دیه کامل

در پاسخ به این پرسش که وجه ترتب دیه کامل، شکستگی بینی است یا فساد آن یا اینکه این دو عنوان با همدیگر موجب ثبوت دیه کامل می‌شوند؟ حقیقت این است که گرچه در بدو امر و با مراجعه به ظاهر عبارات فقها که بر دو عنوان «کسر» و «فساد» در کنار هم تصریح کرده‌اند، چنین برداشت می‌شود که ترتب دیه کامل منوط به تحقق این دو عنوان است، اما با وجود این، مراجعه به برخی منابع نشان می‌دهد که چه بسا تحقق یکی از عناوین فوق هم می‌تواند موجب ترتب دیه کامل گردد؛ مثلاً «سبزواری» در مقام اثبات دیه کامل برای شکستگی همراه با فساد بینی تصریح می‌کند:

«ثبوت دیه کامل در این فرض به جهت قاعده «کل ما فی البدن...» است که بیشتر گذشت؛ زیرا عمومیت این قاعده شامل شکستگی، افساد و کنده شدن بینی از بیخ می‌شود» (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۷۶/۲۹).

با توجه به عطف کسر، افساد و استیصال در این عبارت به خوبی می‌توان دریافت که هر یک از این موارد می‌توانند به مثابه موجبات ثبوت دیه کامل در نظر گرفته شوند. همچنین محقق خوئی در مقام ردّ نظر مشهور، قاعده فوق را تنها ناظر بر قطع دانسته و شمول آن را نسبت به شکستگی منکر شده است (موسوی خوئی، ۱۴۲۲: ۴۸۳/۴۲) که

نشانگر اعتقاد مشهور به ترتب دیه کامل بر صرف شکستگی است. آنچه این تلقی را تقویت می‌کند، مستند دیه شکستگی استخوان در حالت بهبود است؛ زیرا آنچه موجب شده که تحقق بهبود بر میزان دیه بینی تأثیر بگذارد، تنظیر آن با شکستگی ستون فقرات است که بر مبنای روایت ظریف بن ناصح، شکستگی بدون بهبود آن دارای دیه کامل، و شکستگی همراه بهبود کامل آن دارای یک‌دهم دیه کامل است (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۹۲/۴۳). از آنجا که موضوع کاهش دیه در ستون فقرات، شکستگی آن و سپس بهبود این شکستگی است، می‌توان نتیجه گرفت که علی‌القاعده حکم شکستگی بینی همانند ستون فقرات است؛ یعنی شکستگی بدون بهبود آن، موجب ثبوت دیه کامل و شکستگی همراه بهبود کامل آن، دارای یک‌دهم دیه کامل است و جهت ثبوت دیه مذکور، تحقق فساد ضروری نیست.

با این همه، اگر با دقت بیشتری به ادبیات علمی فقیهان نظر شود، بر خلاف آنچه در بدو امر ممکن است از ظاهر کلام آنان برآید، می‌توان دریافت که موجب اصلی ترتب دیه کامل، فساد بینی است و شکستگی بینی صرفاً جهت توجیه تنظیر آن با ستون فقرات مورد اشاره قرار گرفته است. از همین رو، هرچند نمی‌توان انکار کرد که نحوه بیان سبزواری - چنان که گذشت - می‌تواند رهزن باشد، اما وی خود آنگاه که در مقام بیان وجه ترتب دیه کامل قرار می‌گیرد، صراحتاً بیان می‌دارد:

«شکستن و سوزاندن بینی خصوصیتی ندارد، بلکه شامل غیر از این موارد هم می‌شود؛ البته در صورتی که فساد بینی تحقق یابد و سپس سلامتی برگردد» (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۷۶/۲۹).

و بدین ترتیب تحقق فساد را شرط اصلی ترتب دیه کامل بیان می‌دارد. بنابراین در ادبیات فقها، فساد بینی در واقع شرط ترتب دیه کامل بر شکستگی آن است، و الا صرف شکستگی موجب آن نیست. این مهم گرچه از تعابیر بسیاری از فقها به سختی قابل برداشت است، اما آشکارا از تصریح شرط‌گونه برخی فقها مستفاد است:

«فی کسر الأنف الدية إن فسد» (قطان حلی، ۱۴۲۴: ۵۸۶/۲).

همچنین از آنچه در *تحریر الوسیله* آمده است، چنین برمی‌آید که وجه ترتب دیه

کامل، صرف فساد بینی می‌باشد؛ زیرا در این خصوص آمده است:  
 «لو فسد الأنف وذهب بكسر أو إحراق أو نحو ذلك، ففيه الدية الكاملة» (موسوی  
 خمینی، بی‌تا: ۵۷۳/۲)؛ اگر به دلیل شکستگی، سوزاندن و امثال این دو مورد، بینی  
 فاسد شود و از بین برود، دیه کامل ثابت می‌شود.

چنان که روشن است، در این عبارت ملاک برای ترتب دیه کامل، فساد بینی دانسته  
 شده و در این خصوص برای قالب تحقق آن، جایگاهی تصویر نشده است؛ لذا رفتار  
 مجرمانه موجب فساد می‌تواند شکستن، سوزاندن یا هر اقدام مجرمانه دیگری باشد.  
 به هر روی، اگر چنین اعتقادی ابراز شود که شکستگی بینی خود به تنهایی می‌تواند  
 موجب ثبوت دیه کامل باشد، با توجه به توقیفی بودن حکم دیه لزوماً باید دلیل استوار  
 شرعی در این زمینه ارائه شود که چنین دلیلی وجود ندارد. تنها دلیلی که امکان ارائه  
 دارد، تنظیم بینی به ستون فقرات است که خود دچار چالش اساسی است.

### ۲-۳. تنظیم بینی به ستون فقرات

چنان که در مباحث پیشین هم مورد اشاره قرار گرفت، بسیاری از فقها، ضمن  
 توسعه حکم شکستگی ستون فقرات و بهبود آن، به این نتیجه کلی رسیده‌اند که هر  
 عضوی که شکستگی آن دارای دیه کامل باشد، بهبود کامل آن موجب ثبوت یک‌دهم  
 دیه کامل است. وفق این نگره، با توجه به اینکه شکستگی همراه با فساد بینی دارای دیه  
 کامل است، تبعاً بهبود کامل آن نیز دارای یک‌دهم دیه کامل خواهد بود. این استدلال  
 در برخی منابع معتبر فقهی مورد تصریح قرار گرفته است (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۹۲/۴۳). با  
 وجود این به نظر می‌رسد که چنین نگرشی نمی‌تواند مقبول افتد؛ زیرا علاوه بر فقدان  
 دلیل بر توسعه حکم ستون فقرات به بینی، بینی از جمله اعضایی نیست که شکستگی  
 آن دیه کامل داشته باشد تا بهبود کامل آن همانند ستون فقرات، موجب ثبوت یک‌دهم  
 دیه کامل گردد؛ بلکه آنچه در خصوص بینی می‌تواند موجب دیه کامل تلقی شود،  
 شکستگی همراه با فساد آن است نه صرف شکستگی استخوان آن. این تفاوت ناشی از  
 تفاوت اساسی در نتیجه شکستگی ستون فقرات و بینی است؛ به نوعی که شکستگی  
 ستون فقرات در صورت عدم بهبود عملاً جنایتی همسنگ با از بین بردن آن است، اما

در بینی چنین نیست. افزون بر اینکه اگر تفاوت فوق میان بینی و ستون فقرات هم نبود، باز هم به جهت توقیفی بودن دیات (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۳۵۸/۵) نمی‌توان به واسطه تنظیر، حکم به ثبوت دیه نمود.

#### ۴. چیستی فساد بینی

آنچه در موضوع این نوشتار بسیار مهم جلوه می‌کند آن است که مراد از شکستگی همراه با فساد بینی چیست که دارای آن‌چنان تأثیری بر سلامت مجنی‌علیه است که دیه کامل در قبال آن تقریر می‌یابد؟ فقیهان امامیه نظرات مختلفی در پاسخ به این پرسش ارائه کرده‌اند. گرچه در ادبیات متداول فقهی عموماً فساد عضو به معنای فلج آن تلقی شده (عاملی جبعی، ۱۴۱۳: ۴۱۴/۱۵؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲۰۷/۴۳)، اما در خصوص بینی چنین مفهومی صادق نیست؛ زیرا اولاً دیه فلج عضو، دوسوم دیه عضو است، در حالی که فساد بینی دیه کامل دارد. ثانیاً فقها فلج بینی را تحت عنوان «شلل الأنف» بحث کرده‌اند (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۵۷۲/۵؛ موسوی سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۷۷/۲۹؛ تبریزی، ۱۴۲۸: ۱۴۳) که در ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در عرض فساد بینی (موضوع ماده ۵۹۳) به آن پرداخته شده است. واقعیت این است که از مجموع سخنان فقها دو احتمال مختلف در رابطه با مفهوم فساد بینی قابل برداشت است: نخست اینکه فساد بینی، حمل بر «ذهاب و از بین رفتن» آن شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۴۵۶/۳) و دوم اینکه منظور از آن، وضعیتی قلمداد شود که بینی در آن وضعیت گرچه از بین نرفته، اما وجودش کالعدم گشته و حالتی «در حکم» از بین رفتن یافته است (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۹۱/۴۳). تفاوت اساسی این دو حالت آن است که در فرض نخست، فیزیک بینی از بین رفته است، اما در حالت دوم، لااقل بخشی از فیزیک ولو با تغییر فراوان باقی مانده است. اینکه نخستین فقیهانی که از این تعبیر استفاده نموده‌اند، حقیقتاً کدام‌یک از معانی فوق را اراده کرده‌اند، دقیقاً روشن نیست، اما علی‌القاعده و با توجه به معنای لغوی فساد که خروج از حد اعتدال و میانه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۳۶)، می‌توان دریافت که معنای دوم با تعبیر فساد سازگارتر است و در صورتی که مراد فقیهان «ذهاب بینی» می‌بود، می‌بایست از تعبیر روشن‌تری استفاده می‌کردند؛ چنان که شیخ مفید از تعبیر

«استیصال» بهره برده است:

«فی الأنف إذا كسر أو قطع فاستؤصل ألف دينار، فإن كسر فحجر فصلح علی غیر عثم ولا عیب، فدیته مائة دينار» (مفید، ۱۴۱۳: ۷۶۷)؛ برای بینی اگر بشکنند یا قطع شود، سپس از بیخ و بن کنده شود، هزار دینار ثابت است. اما اگر بشکنند، سپس التیام یابد و بدون کژی و عیب بهبود یابد، دیه آن صد دینار است.

از همین رو و با عنایت به ترتب دیه کامل بر این فرض، فساد بینی زمانی تحقق می یابد که جنایت وارده، بینی را به قدری از حد اعتدال خارج سازد که در حکم معدوم قرار گیرد. البته برخی از فقیهان معاصر تصریح کرده اند:

«منظور از فساد بینی آن است که بر اثر عفونت جنایت یا پاشیدن اسید یا مانند آن، کل بینی از بین برود» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۴۵۶/۳).

لکن ظاهراً بر خلاف آنچه در این عبارت آمده، فساد بینی لزوماً منتج به «از بین رفتن کل بینی» نمی شود؛ زیرا مثلاً در صورت اسیدپاشی، ممکن است این عضو به حدی دچار آسیب شود که همچون تکه گوشتی له شده بر صورت باقی بماند، اما بی تردید در چنین فرضی علی رغم عدم صدق عنوان «ذهاب و از بین رفتن کل بینی»، فساد آن صادق است. به هر روی، مسلم این است که اگر بینی به علت اسیدپاشی، سوختن، عفونت، شکستگی، جراحت یا مانند این ها، به شکلی دچار آسیب شود که ساختار آن به کلی واژگون شده و در حکم معدوم قرار گیرد، فساد بینی تحقق یافته است که گاه حتی ممکن است سیمایی کریه تر و زنده تر از قطع یا از بین رفتن بینی داشته باشد. بر این اساس، نظریه دادستان کل کشور در زمان صدور رأی وحدت رویه شماره ۷۶۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور به تاریخ ۱۳۹۶/۸/۲ که مراد از فساد بینی را سقوط بینی دانسته و آن را این گونه تصویر کرده که «بینی روی صورت بیفتد، به نحوی که چهره ظاهری شخص تغییر یابد»، قابل نقد است؛ زیرا اولاً فساد تنها نمی تواند منحصر در سقوط باشد. ثانیاً «سقوط بینی» خود تعبیری مجمل و گنگ است و توضیحی که در پی آن آمده نیز از گنگی آن نکاسته است؛ زیرا چهره ظاهری شخص به واسطه ورم نه چندان زیادی در ناحیه بینی هم تغییر می کند. همچنین اینکه برخی فقها فساد بینی را از بین رفتن کارایی آن دانسته اند (مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضاییه، ۱۳۹۷: پاسخ بهجت به



سؤال ۹۱۳۱) نمی‌تواند درست باشد؛ زیرا گرچه ممکن است فساد بینی به فقدان کارایی آن یعنی فقدان حس شامه بینجامد، اما این نتیجهٔ فساد است نه خود فساد. لذا فساد بینی جنایتی است ناظر بر فیزیک آن و نه عملکرد آن. تلقی فوق را دو اماره مهم تأیید می‌کند: نخست اینکه فقها مسئله فساد بینی را ذیل مباحث مربوط به دیه اعضا مطرح کرده‌اند و نه در ضمن مباحث دیه منافع؛ دوم اینکه اگر منفعت بینی از بین برود و دوباره بازگردد، علی‌القاعده باید ارزش زوال موقت منافع پرداخت شود (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۹/۲۷۲) نه دیه؛ در حالی که بهبود کامل فساد بینی، موجب یک‌دهم دیه کامل دانسته شده است.

به هر روی، گرچه نگارندگان معتقدند که تعبیر فساد بینی اساساً اجمال دارد، اما با توجه به تقریر دیه کامل برای آن، به نظر می‌رسد منظور از آن جنایتی است که هرچند موجب از بین رفتن فیزیک بینی نمی‌شود، اما آن را به حدی دچار دگرگونی و واژگونی می‌کند که در حکم عدم بینی قرار می‌گیرد؛ مثلاً اگر کسی فرضاً با تزریق دارویی موجب شود که شخص دیگری دچار بیماری رینوفیما<sup>۱</sup> شود، وی را می‌توان به عنوان کسی که موجب فساد بینی مجنی‌علیه شده، محکوم نمود. تصاویر زیر مربوط به اشخاص مبتلای به این بیماری است:



۱. رینوفیما (Rhinophyma) عبارت است از هیپرپلازی (بیش‌رویش) غدد سباسه (غدد چربی پوست) و ازدیاد بافتی بی‌تناسب در بینی که منجر به بدشکلی و ناهنجاری در صورت می‌شود (میرشمس شهبهانی و غنی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۷۰).

## ۵. تحقق و عدم تحقق بهبود

پس از تشریح مطالبی که گذشت، اکنون باید به این پرسش پاسخ داد که بهبود چه چیزی موجب کاهش دیه می‌شود: بهبود شکستگی یا بهبود فساد بینی؟ بر اساس آنچه در بخش وجه ترتب دیه کامل نتیجه گرفته شد، علی‌القاعده باید موضوع بهبود، فساد بینی باشد؛ چنان که برخی فقها تحقق بهبودی را مربوط به فساد بینی دانسته‌اند. فاضل لنکرانی در این راستا تصریح می‌کند:

«مقصود فقها از افسادی که موجب ترتب دیه کامل می‌شود، حالتی است که بهبود بدون عیب و نقص تحقق نیابد، وگرنه در صورتی که بهبود این‌چنینی تحقق یابد، همان گونه که مشهور گفته‌اند، صد دینار دیه ثابت است» (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۴۱۸: ۱۲۸).

این در حالی است که عبارت اغلب فقیهان در این رابطه مبهم است. با وجود این، برخی عبارات دال بر معطوف بودن تحقق بهبود به شکستگی است. در اینجا می‌توان از کلام شیخ مفید در این باره یاد کرد:

«فإن كسر فجب فصلح علی غیر عثم ولا عیب، فدیته مائة دینار» (مفید، ۱۴۱۳: ۷۶۷):  
اگر بینی بشکند، سپس التیام یابد و بدون کژی و عیب بهبود یابد، دیه آن صد دینار است.

چنان که روشن است، با توجه به اینکه در عبارت فوق، التیام و بهبود پس از کسر و شکستگی بینی بیان شده، آشکارا چنین برداشت می‌شود که تحقق بهبود، معطوف به شکستگی است نه فساد بینی؛ زیرا مرجع ضمیر مستتر برای افعال «جبر» و «صلح» با «کسر» یکسان می‌باشد.

به نظر می‌رسد با توجه به تعابیر فقها که شکستگی و فساد را در کنار هم آورده‌اند، بهبود کامل در این فرض زمانی رخ خواهد داد که علاوه بر برطرف شدن فساد بینی، شکستگی استخوان آن نیز التیام یابد و بدون اینکه عیب و نقصی همانند کال استخوانی یا کجی تیغه بینی در آن باقی بماند، به وضعیتی همانند پیش از جنایت باز گردد. البته آنچه در این فرض محل تأمل است، چگونگی بهبود یافتن فساد بینی است؛ زیرا در صورتی که فساد بینی تحقق یابد، عادتاً بهبود حاصل نخواهد شد؛ مگر به واسطه پیوند

که در حقیقت بهبود به شمار نمی‌رود و لذا نمی‌تواند موجب کاهش دیه شود؛ چنان که مقنن طبق نظر فقها در ماده ۵۷۵<sup>۱</sup> قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، پیوند عضو بعد از جنایت را بر میزان دیه بی‌تأثیر دانسته است.

## ۶. سیر تاریخی تقریر دیه برای شکستگی بینی

با تتبع در متون فقهی می‌توان دریافت که در یک برهه خاصی از تاریخ فقه، شکستگی بینی با مسئله فساد در هم تنیده شده و رفته رفته فتوای رایج فعلی فقها سامان یافته است. چنین می‌نماید که تا زمان شیخ طوسی (م. ۴۶۰ ق.) اساساً مسئله شکستگی و فساد بینی در کنار هم طرح نمی‌شده و وی نخستین کسی است که آن را به عنوان جنایت موجب دیه کامل مطرح کرده است؛ چه اینکه پیش از شیخ طوسی، شیخ صدوق (م. ۳۸۱ ق.) صرفاً «استئصال» (کنده شدن) بینی را به عنوان جنایت موجب دیه کامل بیان کرده (صدوق، ۱۴۱۵: ۵۱۴) و شیخ مفید (م. ۴۱۳ ق.) هم گرچه برای ترتب دیه کامل از شکستگی بینی سخن به میان آورده، اما از ظاهر کلام وی که پیش از این بیان شد، چنین برمی‌آید که موجب اصلی ترتب دیه، استئصال بینی است که ممکن است در پی شکستگی بینی یا قطع آن رخ دهد (مفید، ۱۴۱۳: ۷۶۷). اما شیخ طوسی در کتاب نهاییه، علی‌رغم اینکه ابتدا فرض استئصال بینی را مطرح می‌کند و برای آن دیه کامل مقرر می‌دارد، پس از بیان قاعده دیه شکستگی استخوان‌ها، دو عضو را در پی این قاعده بیان می‌دارد که دیه مقرر در آن‌ها با قاعده مذکور سازگاری ندارد؛ نخست شکستگی ستون فقرات و دوم شکستگی بینی (طوسی، ۱۴۰۰: ۷۷۶). وفق تصریح شیخ در این دو عضو، شکستگی بدون بهبود، دیه کامل دارد و شکستگی همراه بهبود کامل، یک‌دهم دیه کامل. این در حالی است که طبق قاعده مشهور در زمینه شکستگی استخوان‌ها، شکستگی استخوان هر عضو در فرض عدم بهبود، یک‌پنجم دیه آن عضو و در فرض بهبود کامل دارای دیه‌ای معادل چهارپنجم از این یک‌پنجم است. در عین حال، از آنجا که ثبوت دیه کامل برای شکستگی بدون بهبود بینی نمی‌تواند مقبول

۱. (ماده ۵۷۵: پیوند خوردن عضو پس از جنایت، تأثیری در دیه ندارد).

افتد، شیخ این شکستگی را به شکستگی منجر به فساد تفسیر کرده و نوشته است:  
«فی الأنف إذا كسرت ففسدت، كان فيها الدية... فإن جبرت فبرأت علی غیر عثم  
ولا عیب، كان فيها مائة دینار» (همان)؛ در بینی هنگامی که بشکند و فاسد شود، دیه  
کامل ثابت است... و اگر جوش بیاورد و بدون کزی و عیب بهبود یابد، صد دینار  
دیه دارد.

چنین تصویری از شکستگی بینی، آن را به شکستگی ستون فقرات نزدیک می کند  
و بدین ترتیب همسانی حکم آن ها را توجیه می نماید؛ زیرا زمانی وخامت شکستگی  
بینی با وخامت شکستگی ستون فقرات قابل مقایسه است که شکستگی بینی موجب  
فساد یا از بین رفتن آن یا کارایی های فیزیکی آن شود؛ در غیر این صورت، اگر صرف  
شکستگی باشد، نمی تواند جنایتی همسنگ شکستگی ستون فقرات باشد که در  
صورت عدم بهبود موجب فلجی می شود و آسیبی در حد از بین بردن ستون فقرات  
به شمار می آید.

باری، پس از شیخ طوسی رفته رفته شکستگی بینی در کنار فساد آن، به مثابه  
جنایت موجب دیه کامل بیان شد و در میان فقیهان متداول گشت و پس از سال ها حتی  
چنین نتیجه گرفته شد که شکستگی و فساد هر یک می توانند به عنوان جنایت موجب  
ثبوت دیه کامل در نظر گرفته شوند. لذا از ظاهر کلام برخی فقها چنین برمی آید که  
صرف شکستگی بینی در صورت عدم بهبود نیز می تواند موجب ثبوت دیه کامل باشد  
(موسوی سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۷۶/۲۹).

## ۷. نظر برگزیده در دیه جنایت بر بینی

در صورتی که جنایت وارده، موجب قطع و از بین رفتن بینی شود، متکی به روایات  
(کلینی، ۱۴۰۷: ۳۱۲/۷)، تردیدی نیست که دیه کامل ثابت خواهد بود. اما در خصوص  
دیه فساد بینی یا شکستگی آن با توجه به عدم وجود نص و همچنین ناستواری تطهیر  
بینی به ستون فقرات، ابهام و چالش وجود دارد. این در حالی است که مطابق برخی  
آراء مشورتی که پیشتر گذشت، در تفسیر ماده ۵۹۳ قانون مجازات اسلامی مصوب  
۱۳۹۲، دو حالت کلی برای شکستن استخوان بینی قابل تصور است که عبارت اند از:

شکستن موجب فساد و شکستن بدون فساد بینی. در صورت نخست، بسته به تحقق یا عدم تحقق بهبود و نیز نوع آن، دیه یا ارش مناسب تقریر می‌شود و در صورت دوم، ارش ثابت خواهد بود. روشن است که این موضع‌گیری علاوه بر ابهامات درونی که دارد، به جهت ابتناء بر تنظیم بینی به ستون فقرات، از جهت مبنایی نیز قابل دفاع نیست. از این رو، به نظر نگارندگان در تعیین و توزین دیه فساد یا شکستگی بینی باید به قرار زیر اقدام نمود:

### ۱-۷. دیه فساد بینی

از آنچه تا کنون بیان شد، می‌توان دریافت که اساساً وجهی برای در هم تنیدن دو موضوع شکستگی و فساد وجود ندارد؛ بلکه لزوماً این دو موضوع باید به صورت مستقل مورد نظر قرار گیرند. البته در صورتی که فساد بینی به مثابه یک جنایت مستقل بیان شود - چنان که از هم‌عرضی آن با تعبیر «از بین رفتن» در ماده ۵۹۳ مستفاد است - ضروری است که مفهوم و مراد آن به طور دقیق تبیین شود تا اجمال و ابهامی در رابطه با آن وجود نداشته باشد. در هر حال، اگر فساد بینی به مفهوم از بین رفتن بینی در نظر گرفته شود، در این صورت بی‌تردید ترتب دیه کامل برای آن وجیه است. اما اگر فساد بینی به معنای خروج آن از حد تعادل و واژگونی آن باشد، شمول آن تحت قاعده و روایت عام «کُلُّ ما کان فی الإنسان» (صدوق، ۱۴۱۳: ۱۳۳/۴) به علت انصراف آن به قطع و از بین بردن (موسوی خویی، ۱۴۲۲: ۳۸۴/۴۲)، مشکل بلکه ممتنع بوده و تعیین ارش برای چنین جنایتی قوی‌تر به نظر می‌رسد؛ مگر اینکه فساد بینی به نحوی باشد که آن را در حکم قطع قرار داده باشد.

به هر روی، به نظر نگارندگان اساساً برشمردن فساد به مثابه جنایتی در عرض قطع و فلج در ادبیات جزایی، آن هم صرفاً در خصوص یک عضو که عبارت است از بینی، موجب ایجاد مشکلات فراوانی خواهد شد و شایسته‌تر این است که فساد بینی به مثابه یک عنوان مستقل جنایی ملحوظ نگردد؛ بلکه به فراخور چگونگی تحقق آن ذیل عناوینی همچون «از بین رفتن»، «فلج» یا «شکستگی» بگنجد و در صورت عدم اشتغال این عناوین، جنایتی موجب ارش تلقی شود. بر این اساس، فرض ایجاد فساد در

ماده ۵۹۳ قانون، شایسته است که حذف شود.

## ۲-۷. دیه شکستگی بینی

پرسش مهمی که با توجه به تعداد پرونده‌های ارجاعی به محاکم قضایی و سازمان پزشکی قانونی، بسیار مهم و اساسی است، در خصوص دیه شکستگی استخوان بینی است. بدین بیان که اگر استخوان بینی صرفاً بشکند، دیه آن چه میزان است؟ وفق آنچه در این نوشتار بر خلاف ظاهر برخی متون فقهی حاصل آمد، با توجه به بطلان تظییر شکستگی بینی به ستون فقرات و همچنین عدم وجود نص خاص در این زمینه، در پاسخ به این پرسش سه فرضیه مختلف قابل ارائه است: نخست اینکه شکستگی بینی مصداق هاشمه باشد. دوم اینکه چنین جنایتی مشمول قاعده کلی شکستگی استخوان‌ها باشد. و سوم اینکه موجب ارش تلقی شود. این فرضیه‌ها از حیث رتبی بر یکدیگر مترتب هستند؛ بدین معنا که اگر فرضیه نخست ثابت شود، دیگر نوبت به دو فرضیه دیگر نمی‌رسد و اگر فرضیه دوم ثابت شود، نوبت به فرضیه سوم نخواهد رسید. آنچه دقت در مبانی اقتضا می‌کند، این است که از میان سه احتمالی که بیان شده، احتمال نخست از قوت بیشتری برخوردار است و شکستگی بینی را می‌توان مصداقی از جنایت هاشمه محسوب کرد. اما پیش از پرداختن به این موضوع، ابتدا لازم است گستره و بستر جریان قاعده دیه شکستگی تبیین شود و سپس هاشمه بودن شکستگی بینی به اثبات برسد.

## ۱-۲-۷. بستر جریان قاعده دیه شکستگی

مشهور فقیهان امامیه بر این باورند که اگر استخوان عضو دارای دیه مقدر بشکند، در صورت عدم بهبود، یک پنجم دیه آن عضو ثابت خواهد بود و در صورتی که بهبود کامل یابد، دیه آن یک چهارم از این یک پنجم خواهد بود (مفید، ۱۴۱۳: ۷۶۶؛ طوسی، ۱۴۰۰: ۷۷۶؛ محقق حلّی، ۱۴۰۸: ۲۵۴/۴؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲۸۲/۴۳؛ موسوی خمینی، بی‌تا: ۵۸۷/۲). این گزاره فقهی که در ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی نیز منعکس شده، قاعده‌ای است که از آن تحت عنوان «قاعده دیه شکستگی» یاد می‌شود. این قاعده به قانون مجازات اسلامی نیز راه یافته و در ماده ۵۶۹ منعکس شده است. البته برخی فقیهان

معاصر با خرده گرفتن به این قاعده، به گستره آن پایبند نشده و معتقدند که چگونگی تأثیر بهبود، دائرمدار حکمی است که در نصوص وارد شده است. لذا در خصوص استخوان‌هایی که نص خاص وارد شده است، همان حکم مصرح، و در استخوان‌هایی که حکمی بیان نشده، بهبود تنها می‌تواند در قالب ارش بر میزان دیه تأثیرگذار باشد و نمی‌توان از حکم برخی استخوان‌ها به یک قاعده کلی و شامل در این رابطه نائل آمد (موسوی خویی، ۱۴۲۲: ۴۲/۴۰؛ تبریزی، ۱۴۲۸: ۲۱۲). نکته بسیار مهم در خصوص قاعده فوق آن است که بستر جریان آن استخوان‌هایی است که محکوم به حکم خاصی نشده و دیه آن‌ها به صورت ویژه تعیین نشده باشد. از همین رو، اگر شکستگی یک استخوان به صورت خاص دیه معین داشت، ذیل این قاعده نمی‌گنجد؛ چنان که در خصوص ستون فقرات یا ترقوه - در فرض بهبود کامل - یا شکستن استخوان جمجمه چنین است. همین موضوع در زمینه شکستگی استخوان بینی صادق است؛ زیرا اگر شکستگی استخوان بینی مشمول تعریف و تحدید هاشمه باشد، اساساً دیگر نوبت به سخن گفتن در مورد قاعده دیه شکستگی نخواهد رسید. اینکه در سطور پیشین از تقدم رتبی فرضیه هاشمه بودن بر فرضیه شمول قاعده دیه شکستگی سخن گفته شد، از همین مهم مایه می‌گیرد.

#### ۲-۲-۷. هاشمه و شکستگی بینی

در فقه اسلامی، علی‌رغم «شجه» خواندن هر یک از زخم‌های سر و صورت، بر هر کدام از آن‌ها به تناسب عمقشان نامی خاص اطلاق می‌شود و بر همین مبنا، دیه‌ای متفاوت به آن‌ها تعلق می‌گیرد. نه عنوان «حارصه، دامیه، متلاحمه، سمحاق، موضحه، هاشمه، منقله، مأوموه و دامغه»، شهره‌ترین عناوینی هستند که بر این گونه آسیب‌ها اطلاق می‌شوند (گرجی، ۱۳۹۰: ۲۱۳). یکی از مهم‌ترین گونه‌های شجاج، هاشمه است که بر خلاف اغلب این جنایات، ایجاد جراحت برای تحقق ضروری نیست (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۳/۶۹۰؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۰: ۱۰/۲۷۰)؛ بلکه این جنایت به صرف شکستگی استخوان تحقق می‌یابد و همین که مثلاً استخوان جمجمه بشکند، گرچه جرحی رخ ندهد، هاشمه محقق خواهد شد. لذا در تعریف آن گفته شده که هاشمه جنایتی است که

موجب شکستگی استخوان می شود (مفید، ۱۴۱۳: ۷۶۶؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۷: ۳۹۱؛ ابوصلاح حلبی، ۱۴۰۳: ۴۰۰؛ سلار دیلمی، ۱۴۰۴: ۲۴۷؛ ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷: ۴۱۹؛ ابن ادریس حلبی، ۱۴۱۰: ۴۰۶/۳).

با توجه به مراتب فوق، پرسش این است که آیا عنوان هاشمه بر شکستگی استخوان بینی صادق است یا نه؟ گرچه در رأی وحدت رویه شماره ۴۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، هاشمه بودن شکستگی استخوان بینی انکار شده، در ماده ۵۹۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز برای این جنایت ارش تعیین شده، لکن به لحاظ تحلیل فقهی، پاسخ این پرسش منوط به تعیین دقیق بستر تحقق هاشمه است. توضیح بیشتر اینکه اگر در پی ایراد جنایت، استخوان‌های کاسه سر بشکند، بی شک عنوان هاشمه صادق است؛ یعنی برای مثال، اگر استخوان پیشانی، پس سری یا گیجگاهی بشکند، هاشمه صادق خواهد بود، اما محل تردید تحقق هاشمه در شکستگی استخوان‌های صورت همانند استخوان فک یا استخوان بینی است. در مورد استخوان فک، برخی فقیهان امامیه صراحتاً تحقق هاشمه را ممکن دانسته و آن را جزء استخوان صورت به شمار آورده‌اند (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸: ۴۴۸؛ مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضاییه، ۱۳۹۷: پاسخ فاضل موحدی لنکرانی به سؤالات ۴۳۹ و ۴۸۷؛ پاسخ نوری همدانی به سؤال ۵۹۵). اما در مورد استخوان بینی، تصریحی از سوی فقها ارائه نشده است. به نظر می‌رسد علت اصلی عدم التفات فقها به فرضیه هاشمه بودن شکستگی استخوان بینی این بوده که آنان با توجه به تنظیر چنین جنایتی به شکستگی ستون فقرات، آن را موضوع حکم خاص دانسته و از همین رو تخصصاً آن را از شمول ادله هاشمه خارج می‌دانسته‌اند. بدیهی است که در صورت فرو ریختن چنین انگاره‌ای و بطلان تنظیر فوق، اگر شکستگی استخوان‌های صورت همانند فک، مشمول عنوان هاشمه باشد، وجهی ندارد که بینی از این میان خارج دانسته شود و حکمی متفاوت درباره آن صادر گردد؛ زیرا در صورتی که هاشمه به مثابه جنایت وارد بر سر و همچنین صورت تلقی شود، خروج هر یک از استخوان‌های این ناحیه از ذیل آن، نیازمند دلیل خواهد بود نه اینکه اشتغال آن نسبت به این استخوان‌ها دلیل بخواهد. به هر روی به نظر نگارندگان، هاشمه محسوب کردن شکستگی استخوان بینی هیچ معنی ندارد و چنان که بیان شد، مثلاً در خصوص



استخوان فک بالا، این مسئله مورد پذیرش برخی فقها و ماده ۶۳۳<sup>۱</sup> قانون مجازات اسلامی قرار گرفته است. در خصوص استخوان بینی نیز - با این پیش فرض که محکوم به حکم خاصی نیست - مقبول و پذیرفتنی است. ناگفته پیداست که از جهت لغوی هم نمی توان چنین دیدگاهی را باطل دانست؛ زیرا بررسی لغوی «کسر» نشان می دهد که علمای لغت آن را به «هشم» و «هضم» معنا کرده اند:

«الكاف والسین والرء اصل صحیح يدلُّ علی هشم الشیء وهضمه» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۸۰/۵).

نکته مهمی که تذکر آن الزامی است، عبارت است از اینکه حتی اگر هاشمه بودن شکستگی بینی هم پذیرفته نشود، باز هم نمی توان آن را مشمول ارش دانست؛ بلکه حکم شکستگی آن را باید به قاعده دیه شکستگی استخوان ها که مقبول مشهور فقها و مقنن است، ارجاع داد.

### ۸. عدم تفکیک میان تحقق یا عدم تحقق بهبود

وفق ظاهر کلمات فقها و همچنین ظهور ماده ۵۹۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ چنان که در برخی از نظریه های مشورتی نیز آمده بود، چهار حالت کلی برای شکستن استخوان بینی قابل تصور است که در این چهار حالت، میان وضعیت بهبودیافته و بهبود نیافته و همچنین میان وضعیت بهبود کامل یافته و بهبود ناقص یافته از حیث دیه تفاوت وجود دارد. با وجود این، اگر هاشمه بودن شکستگی استخوان بینی پذیرفته شود، چنین تفکیک و تفصیلی وجود نخواهد داشت؛ زیرا در صورت صدق عنوان هاشمه که از عناوین خاص شجاج است، دیه مربوط به آن مرتب می شود و بهبود یافتن آن در کاهش این میزان بی تأثیر خواهد بود. این تلقی را عنایت به ماهیت شجاج نیز تأیید می کند؛ زیرا اغلب آن ها به طور طبیعی بهبود می یابند و اساساً بهبودشان امری کاملاً طبیعی و متوقع است؛ مثلاً جراحی همانند حارصه که صرفاً بر خراشیدگی پوست اطلاق می شود (عاملی جعی، ۱۴۱۳: ۴۵۳/۱۵؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۳۲۰/۴۳)، همواره بهبود

۱. «ماده ۶۳۳: شکستگی استخوان فک پایین، مشمول حکم شکستگی استخوان، و شکستگی استخوان فک بالا مشمول حکم شکستگی استخوان های سر و صورت است».

می‌یابد و حداکثر پس از چند روز التیام پیدا می‌کند، ولی شارع یک صدم دیه کامل را برای آن در نظر گرفته است. طبیعی است که این میزان با در نظر گرفتن ماهیت این جراحت و بهبودپذیر بودن آن تقریر یافته است. در هاشمه نیز به صرف تحقق آن، ده صدم دیه کامل معادل یک دهم دیه کامل ثابت خواهد بود و بهبود یافتن آن هیچ تأثیری در کاهش میزان مذکور نخواهد داشت.

البته نکته بسیار مهمی که در این رابطه باید ذکر شود این است که آیا حقیقتاً و مطابق واقعیات بیرونی، این امکان وجود دارد که شکستگی بینی بدون اینکه جوش بخورد و التیام یابد، به صورت بهبود نیافته باقی بماند؟ ظاهراً پس از شکستگی بینی در هر صورت جوش خوردگی رخ می‌دهد و لذا اگر ملاک، قضاوت مبتنی بر عرف و حتی قضاوت بدون استفاده از دستگاه‌های عکس برداری باشد، در چنین فرضی اساساً شکستگی بدون بهبود بینی امکان‌پذیر نیست؛ اما گاه بر اساس عکس‌های رادیولوژی، چنین جوش خوردنی قابل کشف نیست؛ زیرا کلسیم جمع شده در حد فاصل شکستگی موجب قوام استخوان شده و بینی را نسبتاً استوار نشان می‌دهد، اما در عکس رادیولوژی، این کال استخوانی قابل مشاهده نیست، لذا میان انفصال ناشی از شکستگی، اتصالی در عکس مشاهده نخواهد شد. حال باید دید که در چنین صورتی، آیا به تراکم کلسیم در محل شکستگی که موجب همبستگی میان عناصر استخوان می‌شود، «الجبر» صدق می‌کند یا این همبستگی باید ناشی از ایجاد بافت استخوانی در ناحیه منفصله باشد؟ گرچه پاسخ به این پرسش بسیار مهم است، اما واقعیت این است که پاسخ به آن در راستای «تحقق موضوع حکم» اهمیت دارد، نه در رابطه با «حکم موضوع»؛ زیرا با روشن شدن این مطلب صرفاً این نتیجه حاصل می‌شود که امکان تحقق شکستگی بدون بهبود بینی نیز وجود دارد. افزون بر اینکه معلوم می‌شود در مصادیق خارجی، کدام مورد مصداق شکستگی بدون بهبود است و کدام مورد مصداق شکستگی همراه بهبود ناقص قلمداد می‌شود. اما چون وفق نظر برگزیده، شکستگی استخوان بینی نوعی هاشمه محسوب می‌شود، با رخداد این شکستگی، دیه مربوطه ثابت خواهد شد و تفاوتی در اینکه بهبود یافته یا نه، وجود ندارد.

## نتیجه گیری

مسئله شکستگی استخوان بینی در فقه و به تبع در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به شکل معناداری با مسئله فساد بینی در هم تنیده شده است. این درهم تنیدگی نامطلوب از آن رو که در کنار تأسیس بهبود جنایت قرار گرفته، ابهامات بیشتری ایجاد کرده است. علاوه بر این، مبنای فقهی تقریر دیه برای شکستگی استخوان بینی که عبارت است از «تنظیر بینی به ستون فقرات» نیز از عوامل مهم چالش‌زا و از موجبات پیچیدگی مسئله دیه بینی به شمار می‌رود. نتیجه این چگونگی که در قالبی نه‌چندان منقح در ماده ۵۹۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ منعکس شده، عبارت است از: ثبوت دیه کامل برای شکستگی موجب فساد و از بین رفتن بینی در فرض عدم بهبود؛ ثبوت یک‌دهم دیه کامل برای شکستگی موجب فساد استخوان بینی در فرض بهبود کامل آن؛ ثبوت ارش در فرض شکستگی موجب فساد بر فرض بهبود ناقص؛ و بالاخره ثبوت ارش در فرض شکستگی بدون فساد بینی. این پژوهش نشان می‌دهد که گذشته از ابهام‌آلود بودن مفهوم فساد که به شکلی شگفت، بهبود آن هم قابل تصور است، اساساً مبنای تعیین دیه برای شکستگی استخوان بینی که تنظیر آن با ستون فقرات است، پذیرفتنی نیست. با این حال، با توجه به عدم استقلال استخوان بینی از دیگر استخوان‌های سر و صورت، همان‌گونه که هاشمه بودن استخوان فک بالا توجیه فقهی دارد و توسط مقنن در ماده ۶۳۳ قانون پیش‌گفته پذیرفته شده، هاشمه بودن شکستگی استخوان بینی علی‌رغم اینکه تا کنون مورد اقبال فقها قرار نگرفته، می‌تواند دیدگاهی قابل دفاع در این زمینه به‌شمار آید. ناگفته پیداست که در صورت هاشمه قلمداد شدن این جنایت، تحقق یا عدم تحقق بهبود، تأثیری بر میزان دیه آن نخواهد داشت.

۲۲۱

کتاب شناسی

۱. ابن ادریس حلّی، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۲. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، الوسيلة الى نيل الفضيلة، قم، کتابخانه آية الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ ق.
۳. ابن زهره حلبی، سید حمزه بن علی حسینی، غنية النزوع الى علمی الاصول والفروع، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۷ ق.
۴. ابن سعید حلّی، یحیی، الجامع للسرائر، قم، مؤسسه سیدالشهداء العلمیه، ۱۴۰۵ ق.
۵. ابن طحّی قفّعی، زین الدین علی بن علی بن محمد، الدر المنضود فی معرفة صیغ النیات والایقاعات و العقود، قم، مکتبه امام العصر (ع) العلمیه، ۱۴۱۸ ق.
۶. ابن فارس، ابوالحسن احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۷. ابن فهد حلّی، جمال الدین احمد بن محمد اسدی، المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۸. ابوصلاح حلبی، تقی الدین بن نجم الدین، الکافی فی الفقه، تصحیح رضا استادی، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین (ع)، ۱۴۰۳ ق.
۹. الهی، بهرام، استخوان شناسی، چاپ بیستم، تهران، جیحون، ۱۳۸۵ ش.
۱۰. پژوهشگاه قوه قضاییه، گزارش نشست علمی «درجه بندی مجازات های تعزیری»؛ (چالش ها و راهکارها)، با نظارت علمی عبدالعلی توجهی، گردآوری و تدوین علی اصغر آشوری و علی ترابی پور، ۱۳۹۷ ش.
۱۱. تبریزی، جواد بن علی، تنقیح مبانی الاحکام - کتاب الدیات، قم، دار الصدیقه الشهیده (ع)، ۱۴۲۸ ق.
۱۲. حجازی، رضا، آنا تومی سروگردن، چاپ سیزدهم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۲ ش.
۱۳. حسین نیا، عبدالحمید، «شکستگی بینی و گزارش موارد»، مجله گوش، گلو، بینی و حنجره ایران، شماره ۱ (پیاپی ۳۵)، بهار ۱۳۸۳ ش.
۱۴. حسینی عاملی، سید جواد بن محمد، مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۵. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت - دمشق، دار العلم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۱۶. زراعت، عباس، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی: مبحث دیات، تهران، جاودانه، جنگل، ۱۳۹۵ ش.
۱۷. سلار دیلمی، ابویعلی حمزه بن عبدالعزیز، المراسم العلویة والاحکام النبویه، تصحیح محمود بستانی، قم، منشورات الحرمین، ۱۴۰۴ ق.
۱۸. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی علم الهدی، المسائل الناصریات، تهران، رابطه الثقافة و العلاقات الاسلامیه، ۱۴۱۷ ق.
۱۹. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، المقنع، قم، مؤسسه امام هادی (ع)، ۱۴۱۵ ق.
۲۰. همو، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۲۱. طباطبایی حائری، سیدعلی بن محمدعلی، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، قم، مؤسسه آل البیت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۸ ق.
۲۲. طباطبایی حکیم، سید محمد سعید، منهاج الصالحین، بیروت، دار الصفوه، ۱۴۱۵ ق.

۲۳. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *النهاية في مجرد الفقه والفتاوى*، چاپ دوم، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۰ ق.
۲۴. عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، *الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقیه*، حاشیه سیدمحمد کلاتر، قم، کتابفروشی داورى، ۱۴۱۰ ق.
۲۵. همو، *مسالك الافهام الى تنقیح شرائع الاسلام*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
۲۶. عاملی جزینی (شهید اول)، محمد بن جمال الدین مکی، *اللمعة الدمشقیه فی فقه الامامیه*، بیروت، دار التراث - الدار الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
۲۷. علامه حلّی، ابومنصور جمال الدین حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، *تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۰ ق.
۲۸. همو، *قواعد الاحکام فی معرفة الحلال والحرام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۲۹. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، *تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - الديات*، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۱۸ ق.
۳۰. فاضل هندی، بهاء الدین محمد بن حسن اصفهانی، *كشف الثام والایهام عن قواعد الاحکام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۳۱. قره داغی، جابر و همکاران، «مقایسه یافته های بالینی و رادیولوژیک در ترومای بینی و بررسی اپیدمیولوژیک آن در مراجعین به اداره کل پزشکی قانونی استان آذربایجان شرقی در سال ۸۷-۱۳۸۶»، *مجله علمی پزشکی قانونی*، دوره شانزدهم، شماره ۱ (پیاپی ۵۷)، بهار ۱۳۸۹ ش.
۳۲. قظان حلّی، شمس الدین محمد بن شجاع، *معالم الدین فی فقه آل یاسین*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۴ ق.
۳۳. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۳۴. گرجی، ابوالقاسم، *ديات*، چاپ سوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۰ ش.
۳۵. محقق حلّی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن، *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، چاپ دوم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.
۳۶. مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضاییه، *نرم افزار گنجینه استثنائات قضایی*، ۱۳۹۷ ش.
۳۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، *المقنعه*، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر، *استثنائات جدید*، چاپ دوم، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷ ق.
۳۹. موسوی خمینی، سیدروح الله، *تحریر الوسیله*، قم، دار العلم، بی تا.
۴۰. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، *مبانی تکملة المنهاج*، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۲۲ ق.
۴۱. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، *مهذب الاحکام فی بیان الحلال والحرام*، چاپ چهارم، قم، مؤسسه المنار - دفتر معظم له، ۱۴۱۳ ق.
۴۲. میرشمس شهبهانی، مصطفی، و هایده غنی نژاد، «درمان آکنه رزاسه عودکننده و مقاوم به درمان با لیزر: گزارش یک مورد»، *فصلنامه بیماری های پوست*، دوره هشتم، شماره ۱ (پیاپی ۲۹)، پاییز ۱۳۸۳ ش.
۴۳. نجفی، محمدحسن بن باقر، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.

*Archive of SID*